

مقایسه اثربخشی رویکرد والش و رویکرد اولسون بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی

سمیه آقابزرگی^۱، معصومه حمیدی^۲، ربابه کشاورز محمدی^۳، سهیلا شریعت^۴

Comparing effectiveness of walsh approach and olson approach on communicative models and marital burnout in the women hurt by marital betrayal

Somayeh Aqqabozorgi¹, Masomeh Hamidi², Robabeh Keshavarz Mohammadi³, Soheila Shariat⁴

چکیده

زمینه: پژوهش‌های مختلفی کارآیی رویکرد والش و اولسون را در بهبود مؤلفه‌های مختلف ارتباطی و روانشناختی زوجین نشان داده‌اند. اما آیا رویکرد والش و اولسون منجر به بهبود الگوهای ارتباطی و کاهش دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی می‌شود؟ **هدف:** پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی رویکرد والش و رویکرد اولسون بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی انجام گرفت. **روش:** روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل زنان آسیب دیده خیانت زناشویی شهر تهران در سال ۱۳۹۶ بود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس و گمارش تصادفی استفاده شد. پس از انتخاب حجم نمونه و گمارش آنها در گروه‌های آزمایش و گواه، گروه‌های آزمایش مداخلات رویکرد والش (والش، ۲۰۰۶) و رویکرد اولسون (اولسون، ۲۰۱۱) را طی سه ماه به صورت هفته‌ای یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای دریافت نمودند. پرسشنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه الگوهای ارتباطی (کریستنسن و سولواوی، ۱۹۸۴) و دلزدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) بود. داده‌های به دست آمده توسط تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش دو رویکرد اولسون و والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی مؤثر بوده است ($P < 0/001$). همچنین نتایج آزمون تعقیبی نشان داد که بین اثربخشی و رویکرد اولسون و والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی تفاوت معنادار وجود ندارد ($P > 0/05$). **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که دو رویکرد اولسون و والش می‌تواند به عنوان روش‌هایی کارآبر برای تغییر در الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی به کار رود. **واژه کلیدیها:** رویکرد والش، رویکرد اولسون، الگوهای ارتباطی، دلزدگی زناشویی، خیانت زناشویی

Background: Various studies have shown the efficacy of Walsh and Olson's approach in improving the various communication and psychological components of couples. But does Walsh and Olson's approach lead to improved communication patterns and reduced marital disillusionment for women affected by marital infidelity? **Aims:** The present study was conducted aiming to compare effectiveness of Walsh approach and Olson approach on communicative models and marital burnout in the women hurt by marital betrayal. **Method:** The research method of the present study was quasi-experimental with pretest, posttest and control group design. The statistical population of the present study included all the women hurt by marital betrayal in the city of Tehran in 2017. Non-probable available sampling and random replacement were used in the present study. After selecting the sample size and replacing them in the experimental and control groups, the experimental groups received teaching interventions in ninety-minute sessions once a week during three months. The applied questionnaires in the present study included communicative models questionnaire (Christensen and Solavai, 1984) and marital burnout (Paienz, 1996). The data gotten from the study were analyzed through ANCOVA method. **Results:** The results of the data analysis showed that teaching Walsh approach and Olson approach has been effective on communicative models and marital burnout in the women hurt by marital betrayal ($P < 0/001$). Moreover, the results of follow-up test showed that there isn't any significant difference between the effectiveness of Walsh approach and Olson approach on communicative models and marital burnout in the women hurt by marital betrayal ($P > 0/05$). **Conclusions:** According to the findings of the present study it can be concluded that Walsh and Olson approaches can be applied as efficient methods to change communicative models and marital burnout of the women hurt by marital betrayal. **Key Words:** Walsh approach, olson approach, communicative models, marital burnout, marital betrayal

Corresponding Author: nafasbozorge@yahoo.com

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد البرز، البرز، ایران (نویسنده مسئول)

^۱ M.A. of General Psychology, Islamic Azad University, Alborz Branch, Alborz, Iran (Corresponding Author)

^۲ کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران

^۲ M.A. of Counseling, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran

^۳ دانشجوی دکتری راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران - شمال، تهران، ایران

^۳ Ph D student in guidance and counseling, Islamic Azad University, Tehran-North Branch, Tehran, Iran

^۴ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان، اصفهان، ایران

^۴ M.A. of in Clinical Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Science and Research Branch, Isfahan, Iran

پذیرش نهایی: ۹۸/۰۹/۲۷

دریافت: ۹۸/۰۶/۰۸

مقدمه

بر طبق نظر فلاسفه، انسان یک موجود اجتماعی است و به دلیل قرار گرفتن در یک محیط اجتماعی در ارتباطات تعاملی مانند روابط عشقی، دوستی و خانوادگی مشارکت دارد. خانواده در این میان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا یکی از عناصر اصلی جامعه محسوب می‌شود و برای رسیدن به یک جامعه‌ی امن، داشتن خانواده‌های امن ضروری به نظر می‌رسد. (محسن‌زاده، نظری و عرفی، ۱۳۹۰). خانواده بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و حفظ و تداوم آن از اهمیت زیادی برخوردار است. یک واحد اجتماعی همچون خانواده، بستر مناسبی برای رشد و تکامل، تغییر و تحول، و محل بروز آسیب‌ها و عوارض است، پس می‌توان گفت هم بستر شکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش به شمار می‌رود (مک‌نارتی و کارتی، ۲۰۰۴، بایرمن و کلورسون، ۲۰۱۴؛ مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۳). بالا رفتن آمار طلاق بیانگر آن است که در طول سال‌های زندگی روابط میان همسران دستخوش دگرگونی‌هایی شده است که موجب افزایش اختلاف میان همسران و در نهایت طلاق آنان گردیده است (زارعی‌نژاد، پورحسین و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۶). یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری اختلافات زناشویی^۱ بین زوجین در این میان، خیانت یکی از طرفین است (شاکلفورد، بیزر و گاتز، ۲۰۰۸، ویلسون و همکاران، ۲۰۱۷). ارتباط جنسی با شخص سوم خارج از روابط زوجین، خیانت زناشویی^۲ به شمار می‌رود. برخی دیگر از پژوهشگران نیز حیطه گسترده‌تری را برای خیانت قائل شده و آن را داشتن رابطه اینترنتی، عاطفی یا جنسی و یا ترکیبی از آنها می‌دانند (حبیبی عسگرآباد و حاجی‌حیدری، ۱۳۹۴، وایدنمن و آلگیر، ۲۰۱۱).

بهرتر است درمانگران حین کار با زوج‌های خیانت دیده، به جای تمرکز روی موضوع خیانت، توجه درمانی خود را بر روی رابطه به عنوان کل متمرکز نمایند، زیرا که کشف خیانت و بحران به وجود آمده ناشی از آن، در صورت ادامه فرآیند درمان و عدم خاتمه رابطه قبلی، تأثیرات روانشناختی بلندمدتی را به وجود می‌آورد (فانگ، وونگ و تایم، ۲۰۰۸). الگوهای ارتباطی خانواده^۳، یکی از عوامل پیش‌بین خیانت زناشویی است (کردیچه و عارفی، ۱۳۹۶). توجه به

الگوهای ارتباطی از آن جهت حائز اهمیت است که در مقایسه با دیگر عوامل تأثیرگذار در ناسازگاری زناشویی مانند ویژگی‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی، تغییر الگوهای ارتباطی عملی‌تر و اثرگذاری آن بر میزان رضایت زناشویی بیشتر می‌باشد (گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۲، کونری و همکاران، ۲۰۱۸). تعامل در روابط زوجی به معنای بده بستان میان دو شخص است که الگوهای رفتاری منظم و تکرار شونده را شامل می‌شود (نولر و فینی، ۲۰۱۴). در صورت شکل‌گیری الگوهای ارتباطی معیوب، همسران حمایت خود را از یکدیگر برداشته، برای ارضای نیاز یکدیگر تلاش چندانی مبذول نمی‌دارند و در مسائل تعارض‌برانگیز از دیدگاه یکدیگر درک صحیحی نداشته و سرانجام مشکلات زناشویی و نارضایتی آنان افزایش می‌یابد؛ از سوی دیگر، الگوهای ارتباطی سالم و سازنده از مهمترین عوامل افزایش رضایت‌مندی زناشویی و کاهش روابط فرازناشویی محسوب می‌شود (بخشی‌پور، اسدی، کیانی، شیرعلی‌پور و احمددوست، ۱۳۹۱).

دلزدگی زناشویی^۴ از دیگر مؤلفه‌هایی است که بر اساس خیانت زناشویی در زوجین ایجاد می‌شود (مدرسی و همکاران، ۱۳۹۳). دلزدگی زناشویی مجموعه‌ای از علایم خستگی عاطفی، جسمانی و روانی، دلزدگی زناشویی را به وجود می‌آورد که پیامدهای غیرقابل جبرانی را برای زوجین به دنبال دارد (کالی، ۲۰۱۰). دلزدگی زناشویی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است. هنگامی این حالت پیش می‌آید که زوجین متوجه می‌شوند علیرغم تلاششان، رابطه آنها به زندگی گرمی نبخشیده و نخواهد بخشید. در ضمن فروپاشی رابطه، آگاهی و توجه نسبت به چیزهایی که به اندازه گذشته خوشایند نیستند، افزایش یافته و دلزدگی آغاز می‌شود و در این مرحله اگر فعالیتی برای جلوگیری از پیشرفت این روند صورت نپذیرد، همه چیز از بد به سطح بدتر تنزل می‌یابد. دلزدگی از انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنیدگی‌های زندگی روزمره به وجود آمده و سبب فرسایش رابطه زوجین می‌شود (آماتو و کیت، ۲۰۱۱).

به منظور بهبود مؤلفه‌های روانشناختی افراد آسیب‌دیده از خیانت زناشویی، روش‌ها و درمان‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. رویکرد اولسون یکی از انواع این روش‌هاست که کارآیی خود را در پژوهش‌های گوناگون نشان داده است (اولسون،

3. Family communication patterns

4. marital disaffection

1. marital infidelity

2. Infidelity

راهبردهای تغییر از آن استخراج می‌گردد. با استفاده از این رویکرد، مراحل و وظایف، مواجهه‌های درمانی توسط درمانگر سازماندهی شده و درمانگر، خانواده را برای هر مرحله آماده می‌سازد که در جهت تکالیف مرحله بعد حرکت کند. این مراحل پنجگانه به منظور نیل به دو هدف عمده درمانی سازماندهی شده است: حل مشکلات و مسائل ویژه و فرآیند کارآمد مسأله برای افراد و واحد خانواده (والش، ۲۰۰۶).

با عطف توجه به آسیب روانشناختی و ارتباطی در افراد آسیب دیده خیانت زناشویی (فاضل همدانی و قربان‌جهرمی، ۱۳۹۷؛ عنایت غلام‌پور، عبدالله‌زاده، دشت‌بزرگی، ۱۳۹۶، مارین، کریستنسن و اتکینز، ۲۰۱۴؛ روکاج و فلیپرت - لیگنرث، ۲۰۱۵) به کارگیری درمان مؤثر برای این افراد ضروری می‌نماید و از طرفی با توجه به کارایی رویکرد اولسون و رویکرد یکپارچه والش در کاهش آسیب‌های روانشناختی زنان (اولسون، ۲۰۱۱، ریورا و همکاران، ۲۰۰۸، والش، ۲۰۰۷، جلالی و همکاران، ۱۳۹۵، قاسمی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۲، حسینی حاجی بکنده و همکاران، ۱۳۹۵) و نیز عدم انجام تحقیقی پیرامون مقایسه اثربخشی رویکرد والش و رویکرد اولسون بر الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی، پژوهشگران بر آن شدند تا میزان تفاوت این دو رویکرد را بر الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی مورد بررسی قرار دهند. بر این اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی آن است که آیا بین میزان اثربخشی رویکرد والش و رویکرد اولسون بر الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی تفاوت وجود دارد؟

روش

روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. متغیرهای مستقل رویکرد اولسون و رویکرد یکپارچه والش و متغیرهای وابسته الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل زنان آسیب دیده خیانت زناشویی شهر تهران بود که در سال ۱۳۹۶ به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس و گمارش تصادفی استفاده شد. بدین صورت که از بین زنان آسیب دیده

۲۰۱۱، ریورا و همکاران، ۲۰۰۸، قاسمی‌مقدم، بهمنی و عسگری، ۱۳۹۲، جلالی، احدی و کیامنش، ۱۳۹۵). دیدگاه السون (۱۹۹۹) به خانواده، نگاهی سیستمی بوده و مدل گشتاوری^۱ را ارائه می‌دهد. مدل گشتاوری این فرضیه مهم را مطرح می‌سازد که زوج‌ها و خانواده‌های متعادل در مقایسه با سیستم‌های نامتعادل تمایل دارند که بیشتر مفید باشند. السون در این مدل بر روی سه بعد اصلی سیستم‌های خانوادگی و زناشویی متمرکز می‌شود: انسجام خانوادگی و زناشویی، انعطاف‌پذیری خانوادگی و زناشویی و ارتباطات خانوادگی و زناشویی. بنا به تعریف، انسجام خانواده به صورت پیوند عاطفی که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند نشان داده می‌شود. این بعد بیان می‌دارد که چگونه سیستم‌ها جدایی‌شان را در تقابل با، باهم بودنشان متعادل می‌کنند. انعطاف‌پذیری خانوادگی و زناشویی بعدی است که به روابط نقش و قوانین رابطه و میزان تغییر در رهبری و مدیریت خانواده اشاره دارد. این بعد بر این تمرکز دارد که چگونه سیستم‌ها در مقابل تغییر، استواری و استحکام خود را متعادل می‌سازند. وجه سوم در مدل گشتاوری، بعد ارتباطات خانوادگی و زناشویی است که یک بعد تسهیل‌کننده قلمداد می‌شود که برای سهولت حرکت دو بعد دیگر حائز اهمیت است (اولسون، ۲۰۱۱).

یکی دیگر از روش‌های مورد استفاده در این پژوهش، رویکرد یکپارچه والش^۲ است. به منظور ارزشیابی پویایی‌های خانواده و ارزیابی عملی همراه با توصیه‌های درمانی ویژه، والش (۲۰۰۷) فرم و شکلی را طرح‌ریزی می‌کند؛ و با پرداختن به ویژگی‌های مشترک خانواده‌ها یک نظریه جامع شخصیت را پیشنهاد می‌نماید. والش خانواده‌درمانی یکپارچه را به عنوان الگوی نظریه‌ای دوم و آینده‌ای از چندین الگوی میان‌فردی با عنصر درون‌فردی توصیف می‌کند که مبتنی بر ارزشیابی یکپارچه است (حسینی‌حاجی‌بکنده، نوایی‌نژاد و کیامنش، ۱۳۹۵). این خانواده‌درمانی بر پنج عامل ساختار خانواده، ارتباط و ادراک، مسئولیت نقش، موضوع‌های خانوادگی و پویایی‌های فردی شخصیت مبتنی بوده و اهداف و روش‌های مداخله‌ای آن بطور مستقیم بر مبنای این ارزشیابی پنج‌بخشی استوار است (کارلسون، اسپری و لويس، ۱۳۸۸). چارچوب نظری خانواده‌درمانی یکپارچه والش از این عوامل پنجگانه تشکیل گردیده و کلیه

2. Walsh's integrated approach

1. Circumflex model

در پژوهش حاضر برای نمره کلی ۰/۸۸ و برای ابعاد آن از ۰/۷۹ تا ۰/۸۵ بدست آمد.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی^۲: پرسشنامه الگوهای ارتباطی یک ابزار خودسنجی است که توسط کریستنسن و سولاوای در سال ۱۹۸۴ طراحی شده است. پرسشنامه الگوی ارتباطی از ۳۵ سؤال تشکیل شده است. زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت که از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) تنظیم شده، درجه‌بندی می‌کنند. بعضی از این رفتارها عبارتند از اجتناب متقابل، بحث متقابل، بحث / اجتناب، مذاکره متقابل، خشونت کلامی، خشونت جسمانی و کناره‌گیری متقابل (رحیمی، ۱۳۸۶). پرسشنامه الگوی ارتباطی از سه خرده‌مقیاس تشکیل شده است: ارتباط توقع / کناره‌گیری، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل. کریستنسن و شنک (۱۹۹۱) درستی آزمایی سه خرده‌مقیاس این پرسشنامه را برآورد نمودند. در این مطالعه که در آن سه گروه از زوجین غیردرمانده، درمانده و در حال طلاق یا جدا شده با همدیگر مقایسه می‌کرد، خرده‌مقیاس ارتباط سازنده متقابل توانست بین هر سه گروه تمییز قائل شود، در حالی که خرده‌مقیاس‌های ارتباط، اجتناب متقابل و توقع / کناره‌گیری تنها توانستند بین زوجین درمانده و غیردرمانده تفکیک قائل شوند (رسولی، ۱۳۸۰). عبادت‌پور (۱۳۷۹) نیز برای بدست آوردن درستی آزمایی این خرده‌مقیاس، همبستگی نمرات آن را با نمرات حاصل از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ بدست آورد که عبارت از ۰/۷۴ بود که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی‌دار است. همچنین کریستنسن و هیوی (۱۹۹۰) قابلیت اعتماد این پرسشنامه را برآورد نمودند. همچنین این پژوهش‌گران میزان ثبات درونی را برای خرده‌مقیاس ارتباط سازنده متقابل هفت سؤالی، بدست آوردند. آلفای کرونباخ برای مردان و زنان در این خرده‌مقیاس به ترتیب عبارت از ۰/۸۴ و ۰/۸۱ بود. قابلیت اعتماد خرده‌مقیاس‌های خرده‌ارتباط سازنده، اجتناب متقابل و توقع / کناره‌گیری در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۹ و ۰/۸۳ محاسبه گردید.

روش اجرا: پس از هماهنگی با مراکز انتخاب شده و ارائه توضیح به افراد شرکت‌کننده در پژوهش، افراد حاضر در گروه‌های آزمایش مداخلات رویکرد اولسون و رویکرد یکپارچه والش را در طی ۸

خیانت زناشویی مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره پویا، مرکز مشاوره آروین شگرف و مرکز مشاوره سپاس ۴۵ زن که حاضر به شرکت در پژوهش بودند انتخاب و به صورت گمارش تصادفی در گروه‌های آزمایش و گروه گواه (۱۵ نفر در گروه آزمایش اولسون، ۱۵ نفر در گروه آزمایش والش و ۱۵ نفر در گروه گواه) گمارده شدند. گروه آزمایش مداخلات درمانی (رویکرد اولسون و رویکرد یکپارچه والش) را در طی سه ماه در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای دریافت نمودند. این در حالی بود که افراد حاضر در گروه گواه این مداخله را در طول فرآیند انجام پژوهش دریافت نکردند. لازم به ذکر است که جهت رعایت اخلاق پژوهشی رضایت افراد برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه مراحل مداخله آگاه شدند. هم‌چنین به افراد گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرآیند پژوهشی این مداخلات را دریافت خواهند نمود.

ابزار

پرسشنامه دلزدگی زناشویی^۱: پرسشنامه دلزدگی زناشویی توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ ابداع گردید. این پرسشنامه ۲۰ ماده دارد که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلاً احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می‌باشد. تمام این موارد روی یک طیف هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مورد نظر. طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت (از ۱= هرگز تا ۷= همیشه) است (نادری، افتخار و آملازاده، ۱۳۸۸). کمترین نمره در این پرسشنامه ۲۰ و بیشترین نمره ۱۴۰ است. کسب نمره بالاتر نشان دهنده احساس دلزدگی زناشویی بیشتر است. ضریب قابلیت اعتماد آزمون - بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک ماهه، ۰/۷۶ برای یک دوره دو ماهه، و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه به دست آمده است. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد، که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینز، ۱۹۹۶). در ایران نیز نعیم (۱۳۸۷) این پرسشنامه را بر ۲۴۰ نفر بررسی نمود و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد. میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه

2. Communication Patterns Questionnaire

1. Marital Satisfaction Questionnaire

همچنین مداخله رویکرد والش برگرفته از پروتکل این رویکرد (والش، ۲۰۰۶) است که در ایران توسط حسینی حاجی‌بکنده و همکاران (۱۳۹۵) مورد استفاده و درستی آزمایشی آن مورد تأیید قرار گرفته است.

جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در طول سه ماه به شرح زیر دریافت کردند، این در حالی بود که افراد گروه گواه در طول اجرای فرآیند پژوهش از دریافت مداخله ذکر شده بی‌بهره بودند. لازم به ذکر است که مداخله رویکرد اولسون برگرفته از پروتکل این رویکرد (اولسون، ۲۰۱۱) و

جدول ۱. خلاصه مباحث جلسات آموزشی بر اساس الگوی چندمختصاتی اولسون

جلسات	عنوان جلسه	اهداف جلسه
جلسه اول	آشنایی و بیان اهداف	آشنایی اعضا با مدرس و یکدیگر؛ برقراری رابطه حسنه و ایجاد جو همراه با اعتماد و امنیت، همکاری و صمیمیت؛ مشخص شدن اهمیت موضوع برای اعضا، اهداف برگزاری جلسات و آشنایی با مقررات گروه؛ آشنایی با چهارچوب کلی کار الگوی چندمختصاتی السون؛ عقد قرارداد و ایجاد تعهد جهت همکاری و شرکت منظم در جلسات.
جلسه دوم	صمیمیت در روابط زوجینی	تعریف صمیمیت و ابعاد آن؛ بررسی موانع ایجاد صمیمیت؛ آموزش چگونگی برقراری صمیمیت؛ تمرین شیوه‌های صمیمیت.
جلسه سوم	نزدیکی و انعطاف‌پذیری	اهمیت توازن و انعطاف‌پذیری و نقشه زوج و نقشه خانواده؛ ایجاد توازن بین ثبات و تغییر و اجتناب از ثبات و تغییر افراطی؛ آشنایی با مشکلات رایج زوجینی در نزدیکی و انعطاف‌پذیری؛ بهبود پویایی زوجی‌ها.
جلسه چهارم	تعارض و شیوه‌های حل تعارض	تعریف مفهومی تعارض زناشویی و درک طبیعی بودن وجود تعارض میان زوجین؛ استخراج شیوه‌های متداول برخورد با تعارض در میان شرکت‌کنندگان؛ آشنایی با گام‌های ۱۰ گانه بهبود بخشیدن و حل و فصل تعارض.
جلسه پنجم	بهبود ارتباط جنسی	بیان اهمیت روابط جنسی؛ آشنایی با چرخه مسائل جنسی؛ عوامل بازدارنده رابطه صحیح جنسی؛ تشخیص و درمان اسطوره‌های جنسی غلط.
جلسه ششم	ارتباط و توانش‌های ارتباطی	اهمیت و ضرورت ارتباط و پیچیدگی آن؛ آشنایی با نحوه ارتباط زوج‌های موفق و مشکلات رایج در ارتباطات زوجینی؛ انواع سبک و شیوه‌های ارتباطی و چگونگی تأثیر هر یک بر روابط؛ آشنایی با نحوه برقراری ارتباط مؤثر.
جلسه هفتم	نقش‌ها و سنت‌ها / همکاری و کار گروهی	آشنایی با چگونگی تأثیر مدیریت تعیین نقش‌ها بر روابط زوجین؛ آشنایی با الگوهای کلاسیک قدرت در رابطه و تأثیر هر یک بر روابط زوجینی؛ مشکلات رایج نقش در روابط زوجین؛ راه‌هایی جهت بهبود بخشیدن به نقش‌ها در رابطه.
جلسه هشتم	جمع‌بندی و اجرای پس‌آزمون	بررسی میزان کارایی و اثربخشی آموزش‌ها؛ شناسایی موانع اجرایی آموزه‌ها؛ ارائه راه کارها و توصیه‌هایی کلی برای همه زوجین؛ اجرای پس‌آزمون.

جدول ۲. خلاصه مباحث جلسات آموزشی بر اساس رویکرد یکپارچه والش

جلسات	عنوان جلسه	اهداف جلسه
جلسه اول	آشنایی و بیان اهداف	آشنایی اعضا با مدرس و یکدیگر؛ برقراری رابطه حسنه و ایجاد جو همراه با اعتماد و امنیت، همکاری و صمیمیت؛ مشخص شدن اهمیت موضوع برای اعضا، اهداف برگزاری جلسات و آشنایی با مقررات گروه؛ آشنایی با چهارچوب کلی کار رویکرد یکپارچه والش؛ عقد قرارداد و ایجاد تعهد جهت همکاری و شرکت منظم در جلسات.
جلسه دوم	ساختار خانواده	آموزش شیوه‌های ارتباط، به نمایش گذاشتن وضعیت غالب خانواده‌ها، معرفی زیرمنظومه‌ها در خانواده‌ها؛ آشنایی با مفهوم مرزها و مشکلات مرزی در خانواده؛ آشنایی با الگوهای مراوده‌ای رایج و مثلث‌های موجود حول مشکلات خانواده.
جلسه سوم	ساختار خانواده	بازسازی و تغییر خانواده؛ بررسی میزان ارتباط هر یک از زوجین با خویشاوندان خود؛ افزایش یا متعادل سازی رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و داشتن رابطه مناسب با دوستان مشترک.
جلسه چهارم	ارتباط و ادراک	آشنایی با اهمیت ارتباط و ادراک در زندگی زناشویی؛ شناخت قواعد خانواده؛ تغییر و اصلاح قواعد ناکارآمد.
جلسه پنجم	ارتباط و ادراک	آشنایی با کوه یخ (عواطف، ادراکات، انتظارات، نیازها و...)؛ ارزیابی روند تغییر و اصلاح الگوهای ارتباطی، قواعد و تجارب درونی زوجین؛ حمایت کل اعضای خانواده از همدیگر به جای جلب حمایت فرزندان.
جلسه ششم	ارتباط و روابط زناشویی	آشنایی با اهمیت روابط جنسی؛ آشنایی با چرخه مسائل جنسی و عوامل بازدارنده رابطه صحیح جنسی؛ بهبود رابطه صحیح جنسی.
جلسه هفتم	مسئولیت نقش	آموزش چگونگی برخورد با نقش‌های جنسیتی (مساوات طلبانه)؛ آموزش بستن قرارداد رفتاری.
جلسه هشتم	جمع‌بندی و اجرای پس‌آزمون	اهداف: بررسی میزان کارایی و اثربخشی آموزش‌ها؛ شناسایی موانع اجرایی آموزه‌ها؛ ارائه راه کارها و توصیه‌هایی کلی برای همه زوجین؛ اجرای پس‌آزمون.

زناشویی) در مرحله پس آزمون در سطح خطای ۰/۰۵ گردد. لذا این نتیجه حاصل می‌شود که با مهار متغیرهای مداخله‌گر، میانگین نمرات متغیرهای الگوهای ارتباطی سازنده، اجتناب متقابل و کناره‌گیری و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی با آموزش رویکردهای اولسون و والش تغییر یافته است. مقدار تأثیر آموزش رویکردهای اولسون و والش بر میزان الگوهای ارتباطی سازنده، اجتناب متقابل و کناره‌گیری و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۶۰، ۰/۵۹ و ۰/۷۹ بوده است. این بدان معناست که به ترتیب ۶۸، ۶۰، ۵۹ و ۷۹ درصد تغییرات متغیرهای الگوهای ارتباطی سازنده، اجتناب متقابل و کناره‌گیری و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی توسط عضویت گروهی (آموزش رویکردهای اولسون و والش) تبیین می‌شود. حال جهت بررسی این نکته که این تأثیر در کدامیک از گروه‌های آزمایش بوده است به بررسی نتایج آزمون تعقیبی بونفرنی پرداخته می‌شود.

همانگونه نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، تفاوت بین میانگین نمرات الگوهای ارتباطی سازنده، اجتناب متقابل و کناره‌گیری و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی در دو گروه آزمایش آموزش رویکردهای اولسون و والش معنادار نیست. در حالیکه تفاوت میانگین نمرات این متغیرها در بین گروه‌های آزمایش آموزش رویکردهای اولسون و والش معنادار است. این یافته‌ها بدان معناست که در عین تأثیر معنادار دو رویکرد اولسون و والش بر متغیرهای الگوهای ارتباطی سازنده، اجتناب متقابل و کناره‌گیری و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی، بین میزان اثربخشی این دو رویکرد بر الگوهای ارتباطی سازنده، اجتناب متقابل و کناره‌گیری و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی تفاوت معناداری وجود ندارد.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل کواریانس (به دلیل مهار نمرات پیش آزمون) و آزمون تعقیبی بونفرنی استفاده گردید. نتایج آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت شناختی نشان داد که افراد نمونه پژوهش دارای دامنه سنی ۲۶ تا ۴۴ سال بودند که در این بین دامنه سنی ۳۱ تا ۳۴ سال دارای بیشترین فراوانی بود (۳۵ درصد). از طرفی بیشتر این افراد خانه‌دار بودند (۶۹ درصد). حال یافته‌های توصیفی پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قبل از ارائه نتایج تحلیل آزمون کواریانس، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای متغیرها (الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی) در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون برقرار بوده است ($p > 0/05$). همچنین پیش‌فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن بیانگر عدم معناداری مقدار sig بود که نشان می‌داد پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در متغیرهای الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی رعایت شده است ($p > 0/05$). از طرفی نتایج آزمون t نشان داد که پیش‌آزمون گروه‌های آزمایش و گروه گواه در متغیرهای وابسته (الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی) معنادار نبوده است ($p > 0/05$). از طرفی در بررسی پیش‌فرض همگنی شیب خط رگرسیون مشخص شد که تعامل پیش‌آزمون با متغیر گروه‌بندی در مرحله پس‌آزمون در متغیرهای الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی معنادار نبوده است ($p > 0/05$). این بدان معناست که فرض همگنی شیب خط رگرسیون در این متغیرها برقرار بوده است. در نهایت نتایج آزمون M باکس بیانگر آن بود که واریانس میان گروه‌ها همگن است. حال به ارائه نتایج جداول استنباطی پرداخته می‌شود.

با توجه به نتایج جدول فوق، آموزش متغیرهای مستقل (آموزش رویکردهای اولسون و والش) توانسته منجر به ایجاد تفاوت معنادار میانگین نمرات متغیرهای وابسته (الگوهای ارتباطی سازنده، اجتناب متقابل و کناره‌گیری و دزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت

جدول ۳. نتایج آمار توصیفی الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی

گروه‌ها	متغیرها	پیش آزمون		پس آزمون		نرمالیتی
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
گروه آزمایش اولسون	ارتباط سازنده متقابل	۵۰/۸۰	۵/۱۴	۶۱	۵/۹۲	۰/۰۳
	اجتناب متقابل	۷۶/۱۶	۷/۳۵	۶۲/۱۳	۶/۲۲	۰/۲۱
	کناره‌گیری	۶۸	۷/۶۹	۵۷/۹۳	۶/۷۵	۰/۱۵
	دلزدگی زناشویی	۸۵/۵۳	۹/۳۵	۷۰/۳۳	۶/۶۹	۰/۱۹
گروه آزمایش والش	ارتباط سازنده متقابل	۴۸/۰۶	۶/۲۱	۵۸/۴۰	۵/۸۹	۰/۳۵
	اجتناب متقابل	۷۴/۰۶	۸/۰۵	۶۵	۷/۷۷	۰/۰۱
	کناره‌گیری	۷۰/۹۳	۶/۳۹	۶۱/۶۶	۶/۱۹	۰/۴۷
	دلزدگی زناشویی	۸۷/۷۳	۸/۶۳	۶۷/۶۶	۷/۵۷	۰/۲۳
گروه گواه	ارتباط سازنده متقابل	۴۷/۵۳	۵/۵۱	۴۹/۶۶	۴/۱۵	۰/۱۶
	اجتناب متقابل	۷۳/۶۶	۶/۰۱	۷۲/۶۶	۷/۵۱	۰/۲۷
	کناره‌گیری	۷۰/۲۰	۷/۲۱	۶۹/۲۶	۶/۵۷	۰/۳۹
	دلزدگی زناشویی	۸۴/۲۶	۸/۰۱	۸۶/۲۶	۹/۴۷	۰/۲۳

جدول ۴. نتایج تحلیل کواریانس اثر رویکردهای اولسون و والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی

متغیر	گروه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
ارتباط سازنده	همپراش	۸۳/۸۹	۱	۸۳/۸۹	۸/۸۴	۰/۰۰۵	۰/۱۷	۰/۸۲
	گروه‌بندی	۸۳۷/۸۷	۲	۴۱۸/۹۳	۴۴/۱۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸	۱
	خطا	۳۸۹/۰۴	۴۱	۹/۴۹	-	-	-	-
	همپراش	۰/۲۷	۱	۰/۲۷	۰/۰۲	۰/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۰۶
اجتناب متقابل	گروه‌بندی	۸۱۹/۰۶	۲	۴۰۹/۵۳	۳۱/۶۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۰	۱
	خطا	۵۳۰/۷۹	۴۱	۱۲/۹۴	-	-	-	-
	همپراش	۱۶۰/۹۱	۱	۱۶۰/۹۱	۱۱/۱۴	۰/۰۰۲	۰/۲۱	۰/۹۰
	گروه‌بندی	۸۶۴/۳۹	۲	۴۳۲/۱۹	۲۹/۹۱	۰/۰۰۰۱	۰/۵۹	۱
کناره‌گیری	خطا	۵۹۲/۲۸	۴۱	۱۴/۴۴	-	-	-	-
	همپراش	۱۰/۳۷	۱	۱۰/۳۷	۰/۶۴	۰/۴۳	۰/۰۱	۰/۱۲
	گروه‌بندی	۲۶۴۵/۵۵	۱	۱۳۲۲/۷۷	۸۱/۵۲	۰/۰۰۰۱	۰/۷۹	۱
	خطا	۶۶۵/۲۲	۲۷	۱۶/۲۲	-	-	-	-

جدول ۵. بررسی تفاوت‌های دو به دو در گروه‌های آزمایش (رویکرد اولسون و والش) در متغیرهای الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی

متغیر	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	مقدار معناداری
الگوی ارتباط سازنده	گروه آزمایش والش	۱/۶۳	۰/۵۱
	گروه آزمایش اولسون	۱۰/۱۷	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش اولسون	-۱۰/۱۷	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش والش	-۸/۵۴	۰/۰۰۰۱
اجتناب متقابل	گروه آزمایش اولسون	-۲/۸۱	۰/۱۳
	گروه آزمایش اولسون	-۱۰/۴۷	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش اولسون	۱۰/۴۷	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش والش	۷/۶۵	۰/۰۰۰۱
کناره‌گیری	گروه آزمایش والش	-۲/۴۴	۰/۲۹
	گروه آزمایش اولسون	-۱۰/۳۶	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش اولسون	۱۰/۳۶	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش والش	۷/۹۲	۰/۰۰۰۱
دلزدگی زناشویی	گروه آزمایش والش	۳/۰۷	۰/۱۶
	گروه آزمایش اولسون	-۱۶/۱۶	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش اولسون	۱۶/۱۶	۰/۰۰۰۱
	گروه آزمایش والش	۱۹/۲۴	۰/۰۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

پژوهش کنونی به منظور مقایسه اثربخشی رویکرد والش و رویکرد اولسون بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی صورت گرفت. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها بیانگر آن بود که آموزش دو رویکرد اولسون و والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی مؤثر بوده است. بدین صورت که این دو رویکرد توانسته منجر به بهبود الگوهای ارتباطی و کاهش دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی شود. از طرف دیگر نتایج آزمون تعقیبی نشان داد که بین اثربخشی و رویکرد اولسون و والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی تفاوت معنادار وجود ندارد. یافته نخست این پژوهش بیانگر تأثیر معنادار رویکرد اولسون بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی بوده است. یافته پژوهش فعلی با یافته‌های اولسون (۲۰۱۱)، ریورا و همکاران (۲۰۰۸)؛ جلالی و همکاران (۱۳۹۵) و قاسمی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) هم‌خوانی داشت. چنانکه این محققین در نتایج پژوهش خود اشاره داشتند به این که رویکرد اولسون می‌تواند منجر به بهبود مؤلفه‌های روانشناختی و ارتباطی زوجین شود.

در توضیح یافته کنونی می‌توان بیان داشت که الگوی گشتاوری السون روی سه بعد اصلی سیستم‌های خانوادگی و زناشویی یعنی انسجام خانواده، انعطاف‌پذیری خانواده و ارتباطات خانواده تمرکز دارد که تبیین حاضر را می‌توان از همین منظر ارائه داد. بعد انسجام بر این نکته متمرکز است که چگونه اعضای خانواده (به خصوص زن و شوهر) می‌توانند با هم بودن‌شان را متعادل سازند (اولسون، ۲۰۱۱). بر این اساس آموزش رویکرد اولسون می‌تواند منجر به بهبود انسجام رابطه زوجین شود. بدیهی است وقتی انسجام بالا باشد، اعضای خانواده، شادی رفاه و پیشرفت یکدیگر را جست‌وجو می‌کنند و هنگامی که هر یک از آنها به مشکلی دچار شوند، برای رفع آن مشکل، حاضر به فعالیت و عمل هستند. بر همین اساس می‌توان اصلاح الگوهای ارتباطی آنها را تبیین کرد. چنانکه افزایش ارتباطات خانواده بر اساس آموزش رویکرد اولسون نیز بر همین اصل صحه می‌گذارد. علاوه بر این بعد انعطاف‌پذیری در خانواده در اثر آموزش رویکرد اولسون، سبب شکل‌گیری مدیریت دموکراتیک در خانواده می‌شود (حسینی حاجی بکنده و همکاران، ۱۳۹۵). این فرآیند نیز

موجب می‌شود که همه اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نمایند. همچنین دو کیفیت با انعطاف‌پذیری در ارتباط است: اول، غلبه بر بحران و تنیدگی و دوم سلامت روان. بر این اساس آموزش رویکرد السون با شکل‌دهی انعطاف‌پذیری روانشناختی و هیجانی سبب کاهش تنیدگی ارتباطی و بهبود سلامت روان در زوجین می‌شود. این روند نیز کاهش دلزدگی زناشویی را در پی دارد.

یافته‌ی دیگر نتایج پژوهش حاکی از آن بود که رویکرد والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی تأثیر معنادار دارد. بدین معنا که نتایج پژوهش فعلی با نتایج پژوهش والش (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷) و حسینی حاجی بکنده و همکاران (۱۳۹۵) هم‌جهت است. زیرا که این پژوهشگران نشان داده که زوجین به هنگام تعارضات زناشویی، دارای الگوهای ارتباطی و تعامل آسیب‌زا بوده و با بکارگیری رویکرد والش می‌توان میزان آسیب‌های روانشناختی آنان را کاهش داد. در تبیین تأثیر رویکرد والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی می‌توان چنین گفت که والش پنج عامل را به عنوان هدف و روش‌های مداخله درمانی در نظر دارد. که شامل ساختار خانواده، ارتباط و ادراک؛ مسئولیت نقش، موضوع‌های خانوادگی و پویایی‌های فردی شخصیت می‌باشد (والش، ۲۰۰۶). در این رویکرد به افراد در مورد اصلاح نگرش‌ها، شیوه‌های برخورد با همسر و برداشت‌های فرد از کلام و رفتار همسر خود، آموزش‌های سودمندی ارائه می‌گردد که در بهبود رابطه آنان با همسر مفید بوده و در نهایت از بروز تعارض و شکل‌گیری خصومت جلوگیری می‌کند. این فرآیند نیز بهبود در الگوهای ارتباطی را در پی دارد. همچنین می‌توان اذعان داشت که استفاده از مراحل سازنده در رویکرد والش، بر مهار هیجانات منفی، حل مشکل و به کارگیری عاطفه و احساس و تأثیر متقابل زوجین بر یکدیگر، نقش مهمی داشته و منجر به کاهش واکنش‌های هیجانی و آسیب‌های ارتباطی زوجین می‌شود (والش، ۲۰۰۷). بر مبنای رویکرد والش می‌توان به واکنش‌های هیجانی زنان در قبال همسرانشان مجال بروز داد به گونه‌ای که آنان نیز بتوانند هیجانات خود را تخلیه نمایند، به صورتی که این عمل موجب به هم خوردن سلسله مراتب درون خانواده نیز نشود؛ علاوه بر این شیوه درمانی از بروز خشونت و سایر اعمال پرخاشگرانه جلوگیری به عمل آمده و رفتارهای منطقی و قابل

قبولی برای جایگزینی این اعمال ارائه می‌گردد. کاهش خشنوت در ارتباط متقابل زوجین نیز با بهبود الگوهای ارتباطی همراه است.

در تبیین اثر آموزش رویکرد والش بر دلزدگی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی می‌توان اظهار داشت که تغییرات به وجود آمده ناشی از مداخلات بازسازی، تقویت زیرمنظومه زناشویی و مرزسازی بوده است؛ و با آموزش ایجاد قواعدی متناسب با چرخه زندگی خانواده، می‌توان نظم و انسجام خوبی در خانواده به وجود آورد. بنا بر نظریه ساختاری، تعارضات زناشویی و مشکلات تابع آن نظیر افت رضایت زناشویی و شکل‌گیری روابط فرارزناشویی از آنجا آغاز می‌گردد که هر یک از زوجین سعی دارد الگوها، اصول و قواعد مورد نظر خود را به روابط زوجی نیز منتقل سازد (والش، ۲۰۰۷) در حالی که آنها باید این توانش را داشته باشند که الگوهای رفتاری، قواعد و انتظارات خود را به گونه‌ای تغییر دهند که بتوانند متناسب با نیازها، انتظارات و قواعد همسر خود رفتار نمایند. به همین دلیل در پژوهش کنونی با بهره‌گیری از الگوی والش در طی جلسات، یک فرصت آموزشی غنی برای دستیابی به این توانش‌ها و تغییر الگوهای قبلی برای زنان فراهم آمد، و بدین وسیله موجبات بهبود الگوهای ارتباطی و در نتیجه کاهش دلزدگی زناشویی پدید آمد.

پژوهش کنونی با محدودیت‌هایی همچون محدودیت جغرافیایی (شهر تهران)، محدودیت جامعه آماری (زنان آسیب دیده خیانت زناشویی)، محدودیت در نمونه‌گیری تصادفی (نمونه‌گیری در دسترس) و عدم برگزاری مرحله پیگیری مواجه بود. بنابراین توصیه می‌شود پژوهش حاضر با محدوده جغرافیایی و جامعه آماری دیگر و نیز با شیوه نمونه‌گیری تصادفی و برگزاری مرحله پیگیری انجام شود تا درستی آزمایشی بیرونی پژوهش ارتقاء یابد. در سطح کاربردی نیز پیشنهاد می‌شود که دو رویکرد اولسون و والش به عنوان رویکردهایی کارآ به مشاوران و خانواده درمانگران معرفی شده تا آنها با بهره‌گیری از این رویکردها، زمینه را برای کاهش دلزدگی زناشویی و بهبود الگوهای ارتباطی زوجین فراهم سازند.

تضاد منافع: در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

بخشی‌پور، باب‌الله؛ اسدی، مسعود؛ کیانی، احمدرضا؛ شیرعلی‌پور، اصغر و احمددوست، حسین (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات

زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۳ (۲)، ۱۹-۱۰.

جلالی، ایران؛ احدی، حسن و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش خانواده مبتنی بر رویکرد اولسون بر بهبود انطباق و انسجام خانواده. *روش‌های روانشناختی*، ۷ (۲۴)، ۲۲-۱.

حبیبی عسگرآباد، مجتبی و حاجی حیدری، زهرا (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی. *مجله خانواده‌پژوهشی*، ۱۱ (۴۲)، ۱۸۶-۱۶۵.

حسینی حاجی بکنده، نازک؛ نوایی نژاد، شکوه و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۵). اثربخشی الگوی گشتاوری اولسون بر تاب‌آوری و تعارضات زناشویی زوجین. *روانشناسی خانواده*، ۳ (۱)، ۵۸-۴۷.

حسینی حاجی بکنده، نازک؛ نوایی نژاد، شکوه و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۵). اثربخشی رویکرد والش بر تاب‌آوری زوجین. *سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، مؤسسه آموزش عالی نیکان. دشت‌بزرگی، زهرا (۱۳۹۶). تأثیر مداخله مبتنی بر شفقت خود بر احساس تنهایی و تنظیم هیجانی زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۸ (۴)، ۷۹-۷۲.

رحیمی، خیر (۱۳۸۶). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و کیفیت زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز. *مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی*، ۱۰ (۱)، ۴۵-۶۲.

رسولی، محسن (۱۳۸۰). *رابطه بین الگوهای ارتباطی زن و یا شوهران دانشجوی دانشگاه‌های تهران و الگوهای ارتباطی والدین آنها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.

زارعی‌نژاد، زینب؛ پورحسین، رضا و رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۹۶). بررسی نقش میانجی‌گر سبک‌های دفاعی در رابطه بین سطح تحول من و رضایت زناشویی. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۱۶ (۶۱)، ۱۹-۶.

عبادت‌پور، بهناز (۱۳۷۹). *هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۸-۷۹*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

عنایت غلام‌پور، منیره؛ عبدالله‌زاده، حسن؛ امیرشاهی، مهربانو؛ ثناگو، اکرم (۱۳۹۶). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت زناشویی در افراد متأهل. *روان‌پرستاری*، ۵ (۲)، ۱۴-۸.

فاضل همدانی، نغمه و قربان جهرمی، رضا (۱۳۹۷). اثربخشی گروه درمان‌گری به روش تحلیل رفتار متقابل بر نظم‌جویی شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۱۷ (۷۰)، ۷۵۳-۷۴۵.

- Conroy, A.A., McKenna, S.A., Comfort, M.L., Darbes, L.A., Tan, J.Y., Mkandawire, J. (2018). Marital infidelity, food insecurity, and couple instability: A web of challenges for dyadic coordination around antiretroviral therapy. *Social Science & Medicine*, 214, 110-117.
- Fung, S.C., Wong, C.W., Tam, S.M. (2009). Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. *Journal of Sex Marital Therapy*, 35 (3), 239-244.
- Gottman, J. M., Notarius, C.I. (2002). Marital in 20TH Century and Research and for 21st Century, *Family Process*, 41(2), 156-197.
- Kally, E. (2010). Work Stress. Personal life and burnout. *Cognitive Brain Behavior*, 14 (3), 261-280.
- Marin, A. Christensen, C. Atkins, B. (2014). Infidelity and Behavioral Couple Therapy: Relationship Outcomes Over 5 Years Following Therapy Couple and Family Psychology. *Research and Practice American Psychological Association*, 3(1), 1-12.
- McNulty, J.K., Karney, B.R. (2004). Positive expectations in the early years of marriage: should couples expect the best or brace for the worst? *Journal of Personality and Social Psychology*, 86 (5), 729-743.
- Noller, P., Feeny, J.A. (201۴). *Understanding Marriage: Developmental in the Study of Couple Interaction*, New York: Cambridge University.
- Olson, D.H. (1999). Circumflex model of Marital & Family Systems. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 144-167.
- Olson, D.H. (2011). Face IV and the Circumplex model: Validation study. *Journal of marital and family therapy*, 37 (1), 64-80.
- Pinez, A. M. (1996). *Couples burnout: courses and cures*. London rout ledge, 32, pp 1-27.
- Rivera, FL., Guarncchia, P.J., Mulvaney-Dey, N., Lin, J.Y., Torres, M., Alegria, M. (2008). Family Cohesion and its Relationship to Psychological Distress among Latino Groups. *Hispanic Journal of Behavior Science*, 30 (3), 357-378.
- Rokach, A. and Philibert-Lignières, G. (2015). Intimacy, Loneliness & Infidelity. *The Open Psychology Journal*, 8(2), 71-77.
- Shackelford, T.K., Besser, A., Goetz, A.T. (2008). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *Journal of individual differences research*, 6(1), 13-25.
- Walsh, F. (2002). A Family Resilience Framework: Innovative Practice Applications. *Family Relations*, 51(2), 130-137.
- Walsh, F. (2007). Traumatic loss and major disasters: strengthening family and community resilience. *Family Process*, 46 (2), 207-27.
- Wiederman, M. W., Allgeier, E. R. (2011). Expectations and attributions regarding extramarital sex among young married individuals, *Journal of Psychology and Human Sexuality*, 8 (1), 3-21.
- Wilson, S.J., Andridge, R., Peng, J, Bailey, B.E., Malarkey, W.B., Kiecolt-Glaser, J.K. (2017). Thoughts after marital conflict and punch biopsy wounds: Age-graded pathways to healing. *Psychoneuroendocrinology*, 85, 6-13.
- قاسمی مقدم، کبری؛ بهمنی، بهمن و عسگری، علی (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی برنامه غنی سازی زناشویی (سبک اولسون)، بر افزایش رضامندی زنان متأهل. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۲۰ (۸)، ۱-۱۰.
- کارلسون، جان؛ اسپری، لن و لويس، جودیت (۱۳۸۸). *خانواده درمانی / تصمیم درمان کارآمد*. مترجم: شکوه نوابی نژاد. (چاپ سوم). تهران: انجمن اولیا و مربیان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۹)
- کردبچه، شیرین و عارفی، مژگان (۱۳۹۶). بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش بینی خیانت زناشویی زنان شهر اصفهان. *چهارمین کنفرانس بین المللی نوآوری های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، دانشگاه نیکان*
- محسن زاده، فرشاد؛ نظری، محمدعلی و عرفی، مختار (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق. *مجله مطالعه راهبردی زنان*، ۱۴ (۵۳)، ۴۲-۷.
- مدرسی، فریبا؛ زاهدیان، سیدحسین و هاشمی محمدآباد، سیدندیر (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *ارمغان دانش، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج*، ۱۹ (۱)، ۷۸-۸۸.
- نادری، فرح؛ افتخار، زهرا و آملازاده، صغری (۱۳۸۸). رابطه ویژگی های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز. *یافته های نو در روانشناسی*، ۴ (۱۱)، ۶۱-۷۸.
- نعیم، سامیه (۱۳۸۷). *رابطه بین دلزدگی زناشویی، روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- Amato, P.R., Keith, B. (2011). Parental divorce and Adult well-being: A Meta-Analysis. *Journal of Marriage and Family*, 53 (1), 43-58.
- Bayerman, S., Kleverson, E. (2014). Family therapy and Self Differentiation in women with and without mental disorders. *Procedia social and Behavioral Sciences*, 2 (11), 223-232.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, Conflict, and Psychological distance in non distressed, Clinic, and divorcing couples. *Journal of consulting and Clinical Psychology*, 59(3), 458 - 463.
- Christensen. A., Haevay. C.L. (1990). Gender and Social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict. *Journal of Personality Band Social Psychology*, 59(1), 73-81.